

ارزیابی ربای تدریجی در تحلیل نظری و رویه قضایی؛ با تمرکز بر رکن مادی جرم

حسین نورمحمدی^۱ / ابراهیم شریفی گرم‌دره^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۵

کدمقاله: JHVMN-۲۶۰۶-۱۳۶۴

چکیده

سیر تحولات ارتکاب جرم ربا منتهی به اشکال خاصی از این جرم گردیده است که نیازمند بازاندیشی و تحلیل ارکان آن است. در گونه جدید از جرم که در ادبیات این پژوهش به عنوان ربای تدریجی از آن یاد می‌شود ربا دهنده در تعاقب توافق با ربا گیرنده، مبالغی را در دفعات به وی پرداخت و ربا گیرنده نیز در قالب اقساط معین یا نامعین، در بازه زمانی معین به ربا دهنده بازپرداخت می‌کند. این موضوع، علاوه بر ماهیت هر یک پرداخت‌ها و استقلال وصفی آنها یا اضمحلال آن در مجموع مبلغ توافق شده اولیه، از جهت ارزش واقعی و تحولات پی در پی اقتصادی و آثار آن بر عواید محصله ربا گیرنده نیز به چالشی دیگر مبدل شده است. از منظر تئوری به دلیل انحصار رفتار به مجرد توافق در منطوق ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی، بنظر می‌رسد، پرداخت و بازپرداخت وجه و تعدد اقساط، هیچ یک موثر در تحقق یا عدم تحقق جرم نمی‌باشد. لیکن رویه قضایی برخلاف مباحث نظری با استمساک به قواعد بنیادین حقوق کیفری و نظریه عینی در شروع به اعمال مجرمانه و مستظهر به حدیث رفع در تحدید جرم انگاری افکار و عقاید مجرمانه‌ای که به منصف ظهور و بروز نرسیده است، باز پرداخت وجه از سوی ربا گیرنده به میزان مازاد بر مبلغ دریافتی اولیه را شرط ضروری برای تحقق جرم قلمداد کرده است و از این جهت شاهد دو رویکرد متفاوت در مبانی نظری و رویه قضایی می‌باشیم. لیکن در خصوص عواید اقتصادی احتمالی آن در پرتو کاهش ارزش واحد پولی، هم در مبانی نظری و هم در رویه قضایی با تأکید بر اطلاق این جرم و عدم تشریع نتیجه مشخص مجرمانه دائر برانتفاع، فارغ از سود و زیان ربا دهنده، چنین تعامل و داد و ستدی را تحت عنوان ربا قابل تعقیب و مجازات می‌دانند.

واژگان کلیدی: ربای تدریجی، رفتار ربوی، نتیجه در ربا، اضرار و انتفاع در ربا.

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

hosein.normohamadi^{۹۶}@gmail.com

۲. دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، اصفهان، ایران.

sharifido@gmail.com



مقدمه

ربا^۱ از جمله جرایمی است که به دلیل حرمت اجماعی آن و تصریح بر این حرمت در چهار سوره قرآن کریم (احمدوند و توحیدی، ۱۳۹۵، ۲۰۱). مداخله و مواجهه با آن به امری بدیهی و اجتناب ناپذیر در سیاست جنایی مبدل گردیده است (غفوری، ۱۳۸۸، ۱۸۴). فارغ از تلاش هایی که با رویکرد تطهیر و تجویز اشکال خاصی از این جرم طی سال های اخیر صورت گرفته است، تمایل به تثبیت و عدم تغییر در الگوی سیاست جنایی به دلایل متعددی از جمله تحولات پی در پی در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، و به تبع آن شیوه های متفاوت ارتکاب این جرم و کیفیت شکل گیری و اجرای توافق میان طرفین جرم ربا، همراه موجد چالش هایی اساسی در نحوه تحلیل نظری و واکنش رویه قضایی به آن بوده است. یکی از گونه های مرسوم ارتکاب این جرم و در عین حال پر ابهام آن، ربای تدریجی است. در این شکل از جرم، طرفین توافق می نمایند که ربا دهنده مبلغ مشخصی را به ربا گیرنده پرداخت و ربا گیرنده تا زمان پرداخت اصل پول، مبلغ مشخصی را که متأثر از فرمول و میزان مشخصی از اصل پول است را ماهانه به ربا دهنده بازپرداخت نماید. در چنین حالتی توجه به این گزاره استنتاجی و استنباطی ضروری است که مبلغ مقطوع و مشخصی میان طرفین تعیین نشده است و هیچ بازه زمانی مشخصی نیز منظور و متعین نبوده است، لذا کیفیت پرداخت و استمرار یا تقطیع آن کاملاً مبهم و به اراده طرفین بستگی دارد که این امر به دلایل مختلفی از جمله شکایت ربا گیرنده در میانه راه متوقف و مبنای سوالات متعددی در ذهن مخاطب خواهد شد از جمله اینکه آیا صرف توافق میان طرفین برابر با تحقق جرم خواهد بود و با فرض مثبت بودن پاسخ، در چنین شرایطی مال موضوع ربا بر اساس مبلغ پرداخت شده اولیه خواهد بود و یا اقساطی که ربا گیرنده در ماه های متوالی پرداخت نموده نیز به این مبلغ افزوده می شود؟ و چنانچه مجموع اقساط پرداخت شده از ناحیه ربا گیرنده تا زمان طرح شکایت از ناحیه ربا گیرنده و توقف فرایند، هنوز به اصل مبلغ پرداخت شده اولیه نیز نرسیده باشد عمل ارتكابی اساساً جرم محسوب می شود یا خیر، و در نهایت با فرض مثبت بودن پاسخ چنین عملی مصداق شروع به جرم ربا محسوب می شود یا جرم تام است؟

^۱. usury



در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از روش مطالعه منابع رسمی و کتابخانه‌ای در کنار مطالعه میدانی و موردی احکام قضایی به عنوان بازتاب رویه قضایی، به این سوالات پاسخ داده شود.

۱- تبیین مفهومی و تشریح ابعاد چالش

انسجام در سیاست جنایی و تلاش جهت تحقق اهداف پیش بینی شده آن، مستلزم ارزیابی دقیق یک پدیده جنایی و همگرایی در مواجهه با آن است و در نقطه عکس، واگرایی و تشتت تصمیمات منجر به استهلاک ظرفیت ها و بلا تکلیفی هنجاری در موضوع مورد نظر خواهد شد. با وجودی که مساله حرمت ربا اجماعی و مخالفت صریح و قابل توجهی در آن دیده نمی شود در عمل تلاش‌هایی غیر منسجم و حتی سازمان یافته ای به منظور استحاله ظاهری در عنوان برخی اعمال به منظور خروج آن از حکم کلی ربا صورت می‌گیرد که مبنی بر احتیال و حيله است (میرمعزی، ۹۸، ۹۷، ۱۳۸۵). این اقدامات منجر به وضعیت پیچیده ای می‌شود که گاه تشخیص مصادیق آن بر اهل فن هم دشوار می‌شود. در کنار این پدیده، کیفیت انعکاس رویکرد و سیاست جنایی تقنینی در قالب قوانین کیفری نیز مزید بر علت و بر ابهامات ناشی از ماهیت بزه ربا افزوده است. در این بخش ابتدا نسبت به تبیین ابعاد موضوع و ماهیت آن اقدام و در ادامه به مهم‌ترین آثار و پیامدهای حقوقی و قانونی مترتب بر این چالش اشاره خواهد شد.

۱-۱- تبیین مفهومی ربای تدریجی

این مفهوم تاکنون به عنوان یک وضعیت شناخته شده حقوقی که با رویکردی اصطلاح شناسانه^۱ به آن پرداخته شده باشد معرفی نشده و ابعاد مختلف آن بررسی نگردیده است. هر چند در بادی امر و به واسطه شیوع و رواج این شکل از ربا، به ظاهر مشکل و چالش خاصی در ارزیابی آن وجود ندارد اما واقعیت این است که این شکل از ربا از جهات مختلفی قابل بحث و تامل است. ربای تدریجی به طور ساده ناظر به شرایطی است که ربا دهنده مبلغی را به ربا گیرنده پرداخت می‌کند و ربا گیرنده متعهد می‌شود مبلغ معینی را که معمولاً بسیار بیشتر از مبلغ اولیه دریافتی است را در مدت زمان و

^۱. terminological



اقساط مشخص به ربا دهنده بازگرداند. فارغ از شباهت های قابل توجه این وضعیت به نظام پرداخت تسهیلات بانکی، به دلیل شرایط خاص اقتصادی و چالش های مرتبط با آن از جمله نوسانات شدید ارزش پول ملی از یک سو و شرایط سنگین بهره های ربوی، ربا دهنده علیرغم دریافت بخش قابل توجهی از مبلغ موضوع توافق، حاضر به چشم پوشی از باقیمانده آن نبوده و ربا دهنده نیز توان ادامه و استمرار وضع موجود و پرداخت ماهانه مبالغ تعیین شده را تا تکمیل میزان مورد توافق ندارد و این تضاد و کشمکش منجر به طرح شکایت و گزارش موقوف به مرجع قضایی می گردد. و از این مقطع مشکلات مرتبط با این پدیده آغاز می شود که شامل وضعیت های مختلف جنایی قابل انطباق با رفتار و ضمانت های اجرایی مختص آن می باشد.

۱-۲- تشریح ابعاد کیفری چالش

با تمرکز بر پدیده ربای تدریجی که در آن ربا دهنده با پرداخت مبلغ معین و ربا گیرنده با پرداخت اقساط در مبلغ و تعداد معین متعهد به پرداخت شده اند و در میانه راه و پس از پرداخت تعدادی از اقساط از ادامه پرداخت امتناع و اقدام به طرح شکایت نموده است، در وضعیتی که مجموع مبالغ پرداخت شده از ناحیه ربا گیرنده هنوز به اصل مبلغ دریافتی نیز نرسیده است در این اینکه این مقدار عمل مصداق ربای تام می باشد یا شروع به ربا و یا حتی اساساً فاقد وصف کیفری است تردید هایی وجود دارد، از طرفی با فرض تحقق بزه ربا، رفتار مجرمانه بر اساس مبلغ اولیه پرداختی از ناحیه ربا دهنده به ربا گیرنده تحقق یافته است و یا مستلزم حدوث مازاد بر آن در خلال پرداخت اقساط است و همچنین تامل در اینکه اگر ربا گیرنده این فرایند را تا پایان طی نموده و مبلغ بسیار بیشتری از مبلغ تعیین و پرداخت شده اولیه را به ربا دهنده بازپرداخت کرده باشد، مناط اعتبار در تعیین مبلغ ربا، مبلغ نهایی است یا مبلغ اولیه دریافتی که خود موجد چالش تبعی دیگری نیز خواهد شد که آن فرض تحقق ربای متعدد (تعدد جرم) است. ارزیابی و تحقق دقیق این موارد از این جهت واجد اهمیت است که علاوه بر ضمانت اجرای کیفری مستقیم مشتمل بر شلاق و حبس و جزای نقدی است که در فروض شروع به جرم و جرم تام آن دارای اختلاف چشمگیری است، همچنین از جهت برخی پاسخ های تقنینی تکمیلی مانند ضبط مال موضوع ربا نیز حائز اهمیت است و برداشت های متفاوت از حکم مقنن وضعیت های کاملاً متفاوتی را از جهت قلمرو مداخله در مایملک و اموال متعلق به شهروندان به دنبال خواهد داشت.

۲- ارزیابی در بستر ارکان جرم - بازتاب چالش در رکن مادی جرم

به نظر می‌رسد راهکار حل مناقشه و بحران مذکور از مجرای ارزیابی ارکان جرم و به طور مشخص رکن مادی^۱ آن امکان‌پذیر است. در حقوق کیفری ایران و به‌طور کلی در یک تقسیم‌بندی و اجزا شناسی رایج، رکن مادی مشتمل بر رفتار، اوضاع و احوال و نتیجه است (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۵۵). که هر یک از یک اجزا موضوع بحث مستقلی و بالطبع نتایج و داده‌های متفاوتی در موضوع ربای تدریجی خواهد بود.

۲-۱- متأثر از اطلاق یا تقید جرم

به‌طور کلی جرایم از حیث نتیجه به دو گونه جرایم مطلق و مقید تقسیم می‌شود. جرایم مطلق ناظر به طیفی از جرایم است که در فرایند تحقق و تکوین آنها حدوث وضعیت مشخصی بر موضوع رفتار مجرمانه شرط نبوده و به مجرد ارتکاب رفتار، وصف کیفری مدنظر مقنن واقع می‌شود و در نقطه عکس این جرایم، هرگاه حدوث وضعیت مشخصی بر موضوع رفتار مجرمانه ضرورت داشته باشد و بدون آن جرم منظور به صورت تام و کامل محقق نشود، چنین جرایمی به عنوان جرم مقید شناسایی می‌شوند (همان، ص ۵۵-۵۷). ارزیابی موضوع ربای تدریجی از منظر عنصر نتیجه به این جهت واجد اهمیت است که با فرض اطلاق جرم، اساساً چالش‌های مطروحه در بخش مقدمه خود به خود منتفی خواهد بود. ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این خصوص بیان می‌دارد، "هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه به همان جنس مکمل و موزون معامله نماید یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند". منطوق این وصف کیفری به گونه ای است که زمینه تفسیرپذیری و گرایش به هر دو دیدگاه مطلق یا مقید بودن جرم ربا را فراهم نموده است.

^۱. Actusreus

۲-۲- شائبه مقید بودن ربا

این دیدگاه بیش از هر چیز به سیاق نگارشی و تبادر اولیه از عبارت «دریافت نماید» و کلمات «ربا دهنده» و «ربا گیرنده» در متن اصلی و تبصره های ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ مربوط است. در این ارتباط، عبارت دریافت نماید دلالت بر رد و بدل شدن مال و تحقق عملی و عینی یک نتیجه مشخص در تعاقب توافق دارد و همچنین کلماتی از قبیل ربا دهنده و ربا گیرنده نیز به همین ترتیب و در همین چارچوب و انصراف آن به حقیقت مصادیق، جملگی مخاطب را به این سمت و سو سوق می دهد که در این جرم تبادل وجه، به عنوان نتیجه منهی عنه تقنینی، شرط تحقق جرم است. تبصره یک این مستند قانونی نیز که اشعار می دارد «در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا، از مصادیق اموال مجهول المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت» ناظر به فرض معمول و متعارف این جرم، در صدد تعیین تکلیف مال موضوع ربا می باشد که در نوع خود به نفع مقید بودن جرم قابل استناد است و در نهایت در تبصره دو این قانون که تصریح شده است «هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده، از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد» با تمرکز و تاکید بر عبارت «در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی»، این گونه به ذهن متبادر می شود که در عمل "رد و بدل" شدن مال محقق گردیده که در چنین شرایطی از نقطه نظر حقوقی و قانونی، وضعیت دیگری غیر از مقید بودن جرم از واژه «پرداخت» استنباط نمی شود. این دیدگاه بیش از هر چیز متأثر از الگوی تفسیر منطوقی یا لفظی است. در این تفسیر الفاظ و عبارت بکاربرده شده توسط مقنن دارای اصالت و موجد معنا و مفهوم است، لذا هر گونه خروج از دلالت ظاهری این الفاظ جز در موارد کاملاً استثنایی و محدود که نیازمند قرینه است، مردود و بلا اثر خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۳۶۲) این دیدگاه واجد اشکالاتی است که در مباحث آتی و در خلال تبیین دیگر دیدگاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۳- اطلاق جرم ربا

قائلین به مطلق بودن جرم ربا نیز مانند کسانی که معتقد به مقید بودن این جرم هستند، در توجیه و تبیین دیدگاه خود به اصول تفسیر لفظی و منطوقی تکیه دارند با این تفاوت که برخلاف دیدگاه

اول، تجزیه بخش‌های مختلف ماده ۵۹۵ با اصرار بر موقعیت و نقش متفاوت هر بخش صورت گرفته است. براین اساس:

اولاً: ماده ۵۹۵ به دو بخش قابل تقسیم است. بخش اول شامل جرم انگاری رفتار و بخش دوم ناظر به تبیین ضمانت اجرای قانونی، تکمیلی و احصای اعداز معاف کننده تقنینی از این ضمانت‌های اجرایی است که قادر به تغییر، تخصیص و تبیین بخش اول که در مقام جرم انگاری و تبیین ارکان جرم است نخواهد بود. در بخش اول این مستند قانونی ربا به عنوان یک جرم عبارتست از «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قرار دادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید، ربا محسوب می‌شود». همان گونه که مشاهده می‌گردد، مجرد توافق میان طرفین با اشتراط پرداخت مازاد و اضافه در موضوع یکسان، مشمول عنوان ربا قرار گرفته است و عروض وضعیت دیگری اعم از تحقق عملی توافق و پرداخت و دریافت موضوع توافق یا سود و زیان یکی از طرفین مد نظر قرار نگرفته است.

ثانیاً: عبارت «دریافت نماید» که در بخش اول این مستند قانونی وجود دارد از حیث تعاطف و تعاقب اصولی و منطقی، از اوصاف «توافق» است و ارتباطی به عنصر نتیجه ندارد، به دیگر بیان این عبارت در مقام تشریح و تشریع شرایط توافقی است که تشکیل دهنده رفتار مجرمانه در جرم ربا است.

ثالثاً: در مبانی و منابع معتبر فقهی که جرم ربا نیز به صورت مستقیم ملهم و متأثر از آن است، تحقق جرم ربا دائر مدار توافق است و هیچ شرط زائدی که در ادبیات حقوقی به عنوان نتیجه از آن یاد می‌شود پیش بینی نشده است (شهیدثانی، ج ۳، ص ۳۱۶). هر چند این جرم در فروض آنی و بالفعل منجر به انتقال زائد بر اصل مال در لحظه می‌شود لیکن در مصادیق موجل آن، نفس اشتراط کافی است و پرداخت شرط نیست.

۳- پیامد های اطلاق جرم بر چالش های پژوهش

بنابر مطالب پیش گفته و ارزیابی دیدگاه های موجود، به نظر نگارندگان جرم ربا در زمره جرایم مطلق است. این استنتاج و آثار قانونی و حقوقی مترتب بر آن در این مبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت. عقیده بر مطلق بودن جرم ربا و عدم نیاز به حصول نتیجه مشخص و ملموس مادی، راه برون رفت از چالش هایی است که موضوع این پژوهش است. در این وضعیت، توافق طرفین بر چگونگی دریافت و باز پرداخت از سوی ربا دهنده به ربا گیرنده، مساوی با جرم تام ربا است و باز پرداخت تدریجی آن یا هرگونه مانعی که به صورت ارادی یا غیر ارادی کیفیت یا کمیت اقساط باز پرداختی را تحت تاثیر خود قرار دهد، قادر به تغییر در وضعیت جنایی طرفین نخواهد بود.

۳-۱- ماهیت رفتار مجرمانه در ربا

بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، رفتار مجرمانه دایر مدار فعل یا ترک فعل است. بر این اساس رفتار عبارت از پدیده منتسب به اراده انسان است که در موقعیت های مختلف و حسب اقتضائات قانونی یا قراردادی به شکل فعل یا ترک فعل مورد نهی مقنن قرار گرفته است و تخطی از این نهی با ضمانت اجرای کیفری مواجه شده است (ولیدی، ج ۱، ۱۳۷۴، ۲۱۹). تشخیص اینکه رفتار مجرمانه در جرم ربا چیست و چگونه تشکیل می گیرد در جهت گیری تبیین چالش های پژوهش موثر و حتی منجر به انتفاع آن خواهد شد. به منظور تشخیص ماهیت رفتار جنایی در ربا و تعیین قلمرو تحقق آن، بیش از هر چیز مراجعه به منطوق قانون راهگشا خواهد بود. بر این اساس مطابق ماده ۵۹۵ از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قرار دادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن که جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکمل و موزون معامله نماید و یا زائر بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می شود» با دقت نظر در این مستند قانونی، مقنن در مقام تبیین رفتار مجرمانه از واژه «توافق» بهره برده است و این واژه، بار اساسی را تشریح این جرم به دوش می کشد توافق از حیث لغوی به معنی موافقت کردن و هماهنگ شدن دو شخص می باشد (دهخدا، ج ۹، ۱۳۷۷، ۱۲۷) و در اصطلاح نیز مفهومی متفاوت از معنای لغوی آن ندارد و به منزله تلاقی دو اراده در جهت انجام دادن یا ندادن امری است که با اندکی تسامح می توان چنین

وضعیتی را نوعی ایجاب و قبول نامید. ایجاب و قبول در لسان برخی حقوق دانان ابزاری برای بیان و ظهور بخشی به اراده درونی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۷۵۴) و برخی دیگر ایجاب و قبول را خود اراده قلمداد نموده‌اند، نه اینکه به مثابه ابزاری در خدمت اراده باشد (شهیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴). فارغ از تحلیل‌های متفاوتی که پیرامون این دو مفهوم وجود دارد و بدون توجه به چالش‌هایی که مانع از پذیرش و نفوذ مفاهیم حقوقی مانند ایجاب و قبول در بسترهای مجرمانه مانند ربا می‌شود، بنظر نگارندگان نزدیک ترین مفهوم جهت تبیین وضعیت توافق در جرم ربا، همان ایجاب و قبول اما به شکل عرفی آن است، با پذیرش این گزاره، دلالت ضمنی دیگری به ذهن متبادر می‌شود که بیانگر استغنائی رفتار مجرمانه در جرم ربا به چیزی بیشتر از اراده و بیان ظاهری آن است، به دیگر سخن در تحقق رفتار مجرمانه در جرم ربا، مجرد اراده طرفین شامل ربا دهنده و ربا گیرنده کفایت می‌کند. با این توضیح و با پذیرش اینکه در جرم ربا با توافق طرفین در جزئیات، کیفیت و کمیت تعامل و تبادل اقتصادی و مالی، بزه مورد نظر واقع گردیده است، نحوه باز پرداخت وجه یا مال اعم از اینکه به صورت دفعی یا در اقساط مشخص صورت گرفته یا بگیرد، اثری در وضعیت نهایی جرم ربا خواهد داشت لذا تدریجی بودن مبالغ پرداختی از سوی ربا گیرنده، بیشتر یا کمتر بودن آن از مبلغ دریافتی اولیه از ربا دهنده، هیچکدام در اصل وقوع جرم و ضمانت اجرای پیش‌بینی شده تاثیری نخواهد داشت.

۳-۲- قلمرو رفتار (شروع به جرم)

در آموزه‌های بنیادین حقوق کیفری، شروع به جرم به مفهوم توقف غیر ارادی فرایند ارتکاب جرم که در مرحله ارتکاب رفتار مادی قرار داشته است، (عظیمی و شاه ملک پور، ۱۴۰۰، ص ۱۰۰) براین اساس وجه تمایز اساسی و اصلی میان جرم تام و شروع به جرم، عدم پیمایش کامل فرایندی است مقنن به عنوان شرایط و ارکان جرم مد نظر قرار داده است. یکی از مهم‌ترین آثار حقوقی و قانونی مترتب براین تقسیم بندی، نوع و میزان ضمانت اجرای پیش‌بینی شده قانون است که در موارد شروع به جرم به‌طرز چشم‌گیری کمتر از مجازات تام است. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۲۲) و این امر ضرورت توجه به ارزیابی و تبیین رفتار مجرمانه در جرایم را و به طور مشخص جرم ربا که موضوع این پژوهش است را گوش زد می‌نماید. آنچه به عنوان بخشی از چالش‌های این پژوهش مد نظر قرار

گرفت، وضعیت ربای تدریجی است که تا مقطعی از مقاطع مختلف ارتکاب این جرم قابل انطباق با شروع به جرم و درجه مقطعی به عنوان مقدمات غیرمرتبط با رفتار مجرمانه فاقد وصف کیفری خواهد بود. این چالش از جهت مختلفی بیش از این مورد بررسی قرار گرفت و اکنون از جهت مرتبط با قلمرو رفتار مجرمانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. همان گونه که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت رفتار مجرمانه مذکور در مستند قانونی ربا، توافق طرفین ربا به پرداخت مال یا وجه نقد و بازپرداخت آن مال به شرط مازاد است در این تعریف نه تنها شروع به بازپرداخت آن از ناحیه ربا گیرنده به عنوان شرط تقنینی تحقق جرم پیش‌بینی نگردیده است بلکه هیچ صراحتی به لزوم پرداخت وجه از سوی ربا دهنده نیز وجود ندارد و شرایطی که در ادامه این مستند قانونی به منظور تعیین تکلیف وضعیت اموالی که ممکن است در خلال اموال مجرمانه میان طرفین رد و بدل شوند، به لحاظ نگارشی و تفسیری به عنوان احکام تکمیلی مربوط به ضمانت اجرای این جرم است و ارتباطی به اصل جرم ندارد. بنابراین ضمن بازگشت به سوالات محوری این پژوهش که درابتدای مباحث مقدماتی مطرح گردیده، به نظر می‌رسد به محض توافق و انعقاد قرار داد قطعی میان طرفین و مشخص شدن مبلغ موضوع توافق، جرم ربا محقق شده است و بازپرداخت تدریجی آن در هر مقطعی و به هر میزان از اصل مال تاثیری در اصل موضوع نخواهد داشت. لذا بدیهی است شروع به جرم در بستر عقیده به مطلق بودن این جرم به سختی قابل تصور و تصویر است. برخی قائل به تحقق شروع به جرم در جرایم مطلق بوده و آن را ناظر به مرحله مقرون به پیش از اجرای رفتار مجرمانه می‌دانند (اسمعیلی اتویی، ۱۴۰۰، ص ۵۵۷) و شروع به جرم را به عنوان یک مفهوم مرتبط با رفتار و تجزیه پذیری آن در کلیه جرایم اعم از مقید و مطلق، فارغ از عنصر نتیجه در آنها بررسی می‌کند (سلیمی قلعه ی، ۱۴۰۱، ص ۲). در مقابل می‌توان این گونه استدلال کرد که در جرایم مطلق، ورود در رفتار مجرمانه مورد نظر مقنن، فارغ از تحقق یا عدم تحقق یک نتیجه مشخص جرم تام محسوب و مشمول ضمانت اجرای مقرر خواهد شد، لذا با توجه به اینکه مطابق نظریه عینی که مورد پذیرش مقنن در جرم انگاری شروع به جرم بوده است شروط اساسی شروع به جرم، شروع به اجرای رفتار مجرمانه است (آقایی نیا، ۱۳۹۰، جزوه درسی کارشناسی) و در جرایم مطلق این مقدار عمل برابر با ارتکاب جرم تام مورد نظر است، اساساً مقوله شروع به جرم مصداق نخواهد داشت و چنانچه شروع به جرم را در این قبل

جرائم به یک مرحله عقب تر در مقایسه با جرائم مقید بازگردانیم و مقدمات غیر مرتبط با رفتار مجرمانه را تحت عنوان جرم به جرم بررسی نماییم با محدودیت صریح ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی مواجه خواهیم شد که اشعار می دارد «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی باشد» بنابراین به نظر نگارندگان در بزه ربا، تحقق شروع به جرم با چالش های متعدد حقوقی و قانونی مواجه می باشد و این جرم در دوران امر بین تحقق تام یا عدم تحقق در جریان است. لذا به محض اراده طرفین اعم از ربا دهنده و ربا گیرنده و مذاکرات مربوطه و در نهایت توافق بر چگونگی و میزان پرداخت و باز پرداخت، بزه مورد نظر واقع شده است و تا پیش از آن در حد تفکر و مقدمات بعیده و ملحقات پس از آن، خارج از تعریف قانونی جرم است بنابراین استدرج در وصول، انقطاع فرایند وصول تا پیش از رسیدن به اصل مال موضوع ربا و عدم تحقق زیادت عملی در مال، هیچکدام تاثیری در وضعیت جنایی ربا دهنده و ربا گیرنده نخواهد داشت.

۴- بازتاب چالش در رویه قضایی

منظور از رویه قضایی در مباحث این بخش از مقاله، قواعدی است که در بستر زمان از کیفیت تصمیمات قضایی محاکم استنباط می شود، این شکل از رویه که در ادبیات حقوقی کشور به معنای عام رویه قضایی اشاره دارد (اسلامی پناه، ۱۳۹۷، ص ۲۴۴). بیش از هر چیز به آراء قضایی وابسته و مستظهر است و برخلاف رویه قضایی در مفهوم و معنای خاص آن که ناظر به آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور است، در صدد القای رویکردی اجماعی در نظام قضایی نمی باشد و بیشتر متأثر از حجیت بنای عقلاء و مفروضه بنیادین ملهم از آن مبنی بر کاهش احتمال خطاء و اشتباه قضایی در پیروی از نظر اکثریت است. در این بخش از مقاله تمرکز بر هر یک از چالش ها و سوالاتی است که در بخش مقدمه مطرح گردید.

۴-۱- ربای تدریجی در رویه قضایی

همانگونه که پیش از این مورد بحث و بررسی قرار گرفت، این وضعیت از حیث ماهیت رفتار، نتیجه مجرمانه و قلمرو رفتار قابل بحث و بررسی است که از حیث نظری در بخش مختلف پیشین مورد بررسی قرار گرفت لذا در این مقطع هر یک از مباحث با استفاده از یک دادنامه و تصمیم قضایی به بحث و بررسی گذاشته می شود تا وضعیت رویه قضایی و واکنش آن نسبت به چالش های مذکور مشخص شود.

۴-۲- پرداخت عملی وجه موجد رفتار تام مجرمانه

با بررسی تعدادی از دادنامه های صادره از مراجع ذیصلاح کیفری، مشاهده می شود رویه قضایی بر خلاف تحلیل های حقوقی پیش گفته، معیار اساسی جهت تحقق جرم، پرداخت وجه از سوی ربا دهنده و دریافت عملی مازاد بر آن از سوی ربا گیرنده می باشد. به عنوان مثال در دو دادنامه ۱۴۰۳۳۰۳۹۰۰۰۴۱۶۵۹۰، ۱۴۰۳۳۵۳۹۰۰۰۳۰۰۳۳ هوشمند قضایی حذف وجهت دسترسی آموزشی و پژوهشی در سامانه تناد^۱ قرار گرفته است، این امر به وضوح منعکس گردیده است. متن این دادنامه به شرح ذیل است.^۲

به تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ در وقت مقرر جلسه دادگاه شعبه به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است و پرونده به کلاس تحت نظر قرار گرفت دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده اقدام دیگری را لازم ندانسته با اعلام ختم رسیدگی به شرح آتی مبادرت به صدور رای می نماید.

رای دادگاه: در خصوص اتهام آقایان م.خ.ب.خ. فرزند م. متاهل دارای سابقه کیفری دایر بر دریافت ربا و ج.ل.ا. فرزند ع. متاهل فاقد سابقه کیفری دایر بر پرداخت ربا موضوع کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب دادگاه با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده و شکایت اولیه

^۱. این عبارت مخفف سامانه "تحلیل و نقد ارای دادگستری" است که توسط مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه به منظور دسترسی عموم به متن ارای قضایی راه اندازی شده است.

^۲ ۱۴۰۳۳۰۳۹۰۰۰۴۱۶۵۹۲

آقای ح.ل.ا که بیان داشته: بنده به دلیل بیماری کبد و اعصاب و روان خودم مبلغ ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال طی دفعاتی از مشتکی عنه قرض نموده‌ام که کار کفافی داشتم و به علت کرونا نتوانستم کار کنم و چند فقره چک به مشتکی عنه دادم گاهی نیز هر مبلغی را که در توانم بود به ایشان پرداخت می‌کردم و برخی از چک‌ها را نیز وصول نموده بود مشتکی عنه از بنده چند فقره سفته به عنوان ضمانت گرفته بود بنده در مواعد چک و وجه چک‌ها را واریز می‌کردم و با اینکه چک‌ها را تعویض می‌کرده چک دیگری را با مبلغ بالاتر به ایشان می‌دادم من نتوانستم چک‌ها را کارسازی کنم ایشان از من خواست که یک فقره فاکتور سفید با امضا به وی بدهم که دادم سپس برای دو فقره از چک‌های داده شده دعوا نمود که در این خصوص تقاضای رسیدگی دارم. حال توجه‌ها به تحقیقات به عمل آمده و گزارش مرجع انتظامی (پلیس امنیت اقتصادی استان اداره مبارزه با جرایم اقتصادی) پس از انجام تحقیقات اولیه و ملاحظه مستندات ارائه شده از سوی آقای ح.ل.ا ضم در پرونده و پاسخ واصله از استعلامات بانکی خاصه نظریه کارشناسی که بیان داشته: مشتکی عنه هیچ گونه فاکتوری یا مدارک که دال بر اثبات فروش فرش دست دوم اعم از اسناد حمل و غیره جهت تحویل مبیع به شاکی نماید ارائه ننموده لذا امکان احراز معاملات ادعایی میسر نگردیده بنابراین معاملاتی فی مابین شاکی و مشتکی عنه متصور نیست و مدافعات بلاوجه متهم در مرحله تحقیق و لایحه تقدیمی وکیل وی به جلسه دادرسی مضبوط در پرونده و قرار مجرمیت صادره از سوی بازپرس محترم شعبه و سایر اوضاع و احوال منعکس در پرونده بزه انتسابی را ثابت و مسلم دانسته لذا به استناد ماده ۹۵۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات هر کدام از متهمین را به تحمل شش ماه حبس تعزیری و پنجاه ضربه شلاق تعزیری و مبلغ ۱/۱۳۳/۸۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان جزای نقدی در حق صندوق دولت و متهم ردیف اول را اضافه دریافتی به مبلغ ۱/۱۳۳/۸۰۰/۰۰۰ ریال و رد سیزده فقره چک جمعا به مبلغ ۲۴۹۵۰۰۰۰۰ که به علت عدم موجودی حساب در سر رسید برگشت و به صورت بلاوصول در دست وی باقی مانده است و تعداد یک فقره سفته و دو فقره چک جمعا به ارزش ۸۶۵۰۰۰۰۰۰ ریال به صورت تضمینی در حق شاکی آقای ح.ل.ا محکوم می‌نماید مشخصات دقیق اسناد قابل اعاده از قبیل چک و سفته در نظریه کارشناسی صفحات ۱۷۰الی ۱۷۹ پرونده آمده است رای صادره حضوری و مدت ۲۰ پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان می‌باشد.

رای شماره ۱۲: به تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ در وقت فوق العاده جلسه شعبه به تصدی امضا کننده ذیل تشکیل و پرونده کلاسه فوق تحت نظر است با بررسی جامع اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به انشاء رای می نماید:

رای دادگاه: در خصوص اتهام خانم ب.ح فرزند م با وکالت خانم ر.ج فرزند ق مبنی بر ربا خواری (گیرنده وجه اضافی از طریق ربا به عنوان میزان (۳۵۷/۸۰۰/۰۰۰ ریال) موضوع شکایت خانم ز.ا فرزند ذ. (دهنده وجه اضافی در ربا) با وکالت خانم ن.ح.ب فرزند م، با عنایت به جامع اوراق و محتویات پرونده، تحقیقات معموله، بدین توضیح که: شاکی مبلغ دویست میلیون تومان از مشتکی عنه پول دریافت می کند و قرار می گذارند از بابت سود مبالغی را به متهم باز پرداخت نماید و در این بین مشتکی عنه از شاکی مبلغ ۳۵۷۸۰۰۰۰۰ ریال اضافه دریافت نموده است، دادگاه با توجه به مراتب فوق و نظریه کارشناسی و ملاحظه پرینت حساب بانکی منضم در پرونده و پیامک های رد بدل شده بین طرفین که حکایت از پرداخت پول ربوی داشته و با رد دفاعیات متهم، و با احراز بزهکاری مشارالیه، مستندا به ماده ۵۹۵ از بخش تعزیرات و مواد ۳۷ و ۳۸ از قانون مجازات اسلامی، علاوه بر رد مال اضافه به صاحب مال، وی را به تحمل شش ماه حبس و چهل ضربه شلاق تعزیری در غیرملاعالم و معادل مال مورد ربا به جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می نماید اما دادگاه در خصوص متهم با توجه به اوضاع و احوالی که مرتکب جرم شده و شرایط خاص متهم و توجه به اینکه با عدم اجرای مجازات حبس امکان اصلاح مشارالیه پیش بینی می شود و به لحاظ دارا بودن شرایط لازم برای اعطای آزادی تحت سامانه های الکترونیکی، با اختیار حاصله از مواد ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۱، ۴۰، ۱۹، قانون مجازات اسلامی، با اعطای مساعدت (آزادی تحت سامانه های الکترونیکی) صرفا اجرای مجازات حبس نامبرده در محدود مکانی که به موقع اجرای حکم تعیین می گردد. به شرط مراقبت و عدم معاشرت وی با بزهکاران جامعه و مراجعه محکوم علیه به مراکز آموزشی و مذهبی و یادگیری مهارت های اساسی زندگی و اخلاقی و مذهبی و ارائه نتیجه آن، به واحد اجرای احکام کیفری موافقت می شود. همچنین دادگاه اوراق قانونی مندرج در ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری برای



محکومین متذکر می‌شود که چنانچه پیش از پایان مهلت تجدید نظر خواهی، با قبول و تسلیم به رای صادره، حق تجدید نظر خواهی، خویش را ساقط و تقاضای تخفیف مجازات نماید، دادگاه می‌تواند تا یک چهارم میزان مجازات تعیین شده را کسر نماید. رای صادره حضوری و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدیدنظر مرکز استان می‌باشد. همان گونه که مشاهده می‌شود در فراز پایانی این رای صراحتاً دریافت مبلغ زاید بر وجه و مال اصلی پرداختی، رکن مادی جرم را قلمداد شده است. این شاخص کاملاً متفاوت از آن چیزی است که در بخش اول مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت و طی آن توافق مقطوع و عملیاتی طرفین برای پرداخت وجه و بازپرداخت مبلغ بیشتر، به تنهایی برای تحقق جرم کافی بود. این تحلیل بیش از هر چیز مستظهر به سیاق نگارشی و اطلاق ظاهری عبارات قانونی در ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی بوده است اما رویه قضایی به دلایلی که مورد اشاره قرار خواهد گرفت از این تحلیل فاصله گرفته و شاخص عینی و قابل اتکای دیگری را استنباط نموده است. به نظر می‌رسد علت گرایش رویه قضایی به تفسیر و تحلیل فوق، علاوه بر نکات مذکور به دلایل زیر نیز مرتبط باشد.

۵- چالش‌های اثباتی

یکی از ملحوظات رویه قضایی مشکلاتی است که در اثبات جرم را متصور است، با توجه به پیچیدگی‌های مجاری و عقود پوششی در این جرم، چنانچه تحقق آن به مجرد توافق طرفین باشد. به دلیل ماهیت ذهنی و غیر عینی و مملوس آن عملاً اثبات ربا با مشکلات مضاعفی مواجه خواهد شد، در شرایطی که در محاورات حقوقی بیان می‌شود اثبات ربا از زنا دشوارتر است، سیستم قضا بخش قابل توجهی از توان خود را می‌بایستی مصروف اثبات این توافق نماید درحالی که براساس رویه فعلی مراجع قضایی با تمرکز بر پرداخت مازاد بر میزان مال اصلی و عدم احراز موجب معقول، چنین توافقی مفروض در نظر گرفته می‌شود، لذا یکی از دلایل مهم آن طرف رکن مادی ربا به پرداخت و بازپرداخت در رویه قضایی و جایگزین آن با مجرد توافق همین امر است.

۵-۱- مغایرت با اصول بنیادین

به طور کلی در فضای عمومی حقوق کیفری، جرم انگاری اعمال و رفتارهای ناهنجار به پاسداشت حقوق اولیه و زیر بنای بشری، محدود به اقدامات مثبت ومادی خارجی شده است و این جهت گیری به مثابه سدی در مسیر توسعه لجام گسیخته دامنه مداخلات کیفری نسبت به ترک فعل ها و از آن مهم تر، تفکرات و ایده های مجرمانه شده است، بنابراین شاهد کاهش قابل توجه جرم انگاری ترک فعل ها و بی توجهی به ایده ها و تفکرات مجرمانه، جز در موارد کاملا استثنایی می باشیم (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۶۱۰). از طرفی بزه ربا به جهت منشاء فقهی و شرعی، متمایل به منابع و روایات از همین جنس است. از مهم ترین روایاتی که می تواند منشور حقوقی کیفری عمومی شناخته شود، حدیث رفع کبیر است^۱. در این حدیث، مجرد قصد و تفکر ارتکاب جرم معصیت و جرم تلقی نمی شود. بنابراین ملاحظه می شود رویه قضایی برداشتی عینی از روش تقنینی جرم انگاری ربا داشته و تا زمان تحقق بازپرداخت مال یا وجه دریافت شده از ناحیه ربا گیرنده و تحقق وصف زیادت، اعتقادی به وقوع جرم تام ندارد. بنابراین اساس آنچه تحت عنوان ربای تدریجی در مقدمات این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت در رویه قضایی به این نحو تفسیر می شود که اساسا توافق طرفین و پرداخت های مکرر ربا گیرنده مصداق تعدد ربا نبوده و صرفا با عبور از میزان مال اصلی، به میزان زیادت، ربای تام محسوب می شود.

۵-۲- قلمرو رفتار (شروع به جرم) در رویه قضایی

در مباحث نظری بخش قبلی پژوهش در خصوص کیفیت تحقق شروع به جرم ربا مباحثی مطرح گردید. این مقوله دارای موقعیت مهمی در رویه قضایی است یکی از چالش هایی که در بخش مقدماتی این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، انطباق تدریجی بودن باز پرداخت مبلغ دریافتی از سوی ربا گیرنده با وضعیت های مختلف حقوقی بود. مواردی از قبیل تعدد اعمال مجرمانه، شروع به جرم وحتى فقدان وصف کیفری مورد بررسی قرار گرفت. تعدد اعمال مجرمانه ناظر به شرایطی بود که باز

^۱. رفع عنی امتی تسعفه اشیاء: الحظاء و النسیان و ما اکرهوا علیه و ما لایعلمون و ما لایطیقون و ما اضطروا الیه و ما استکروهوا علیه و الطیره و الوسوسه فی التفکر فی الخلق و الحسد مالم یظهر بلسان اوید.

پرداخت مبالغ به نصاب اصل مبلغ رسیده و در تعاقب آن، بازپرداخت هر میزان مازاد، در واقع یک ربای مستقل واقع می‌شود و در جرم نبودن چنین رفتاری این موضوع مد نظر قرار گرفت حتی با فرض پرداخت مبالغ متعدد از سوی ربا گیرنده تا زمانی که مجموع این مبالغ به اصل مبلغ دریافتی نرسیده باشد، اساسا ربا و شروع به آن منتفی است چرا که تا قبل از رسیدن به اصل مبلغ اقدامات طرفین وارد در رفتار مجرمانه ربا محسوب نمی‌شود و چنین عمل نمی‌تواند مصداق شروع به جرم باشد. رویه قضایی رویکرد متفاوتی را در این خصوص اتخاذ کرده است به این نحو که، برخلاف مباحث نظری پیش گفته در بخش اول، مجرد توافق میان طرفین را کافی برای وقوع جرم ربا ندانسته و رفتار مجرمانه را علاوه بر توافق مذکور، در شمول دریافت وجه یا مال از سوی ربا گیرنده و شروع به پرداخت یا اقدام به مطالبه آن از سوی ربا دهنده معتبر می‌داند این موضوع متکی به تبیین حقوقی معقوله شروع به جرم در آموزه های عینیت گرای حقوقی کیفری است که به بهترین شکل ممکن حقوق متهمین تامین می‌کند این مدل مواجهه، علاوه بر رفع دغدغه‌ها و چالش‌های اخلاقی حقوق کیفری که نگران توسعه لجام گسیخته مداخلات کیفری است، مرز میان امکان یا عدم امکان مداخله کیفری را با ضابطه‌ای شفاف و مشخص بیان نموده است. این ضابطه اقدام به مطالبه مال یا مبلغ است اعم از این که به میزان اصل مال یا حتی کمتر از آن باشد. در این قست دادنامه صادره از محاکم کیفری که بیان گر اتخاذ این موضع از سوی نظام عدالت کیفری است آورده می‌شود.

دادنامه شماره ۳:

اتهام: ربا خواری و شروع به اخذ ربا

گردش کار پرونده: به تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۷ در وقت فوق العاده جلسه رسیدگی شعبه به تصدی اینجانب امضا کننده ذیل تشکیل است. دادگاه با استعانت از خداوند متعال ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رای می‌نماید.



رای دادگاه: در خصوص اتهام آقای ب.ب. فرزند م. دائر بر شروع به اخذ ربا به میزان ۳ میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون تومان شامل ۵۰۰ میلیون تومان مازاد چک دو میلیارد و پانصد میلیون تومانی و ۳ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان مازاد ارزش ۳ دانگ ملک موضوع ربا که ارزش واقعی ۳ دانگ آن ۵ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان بوده است و ۲- ر.ب. فرزند ا.ق دائر بر معاونت در شروع به اخذ ربا ۳- ف.ب. فرزند ا.ا. دائر بر شروع به پرداخت ربا بدین شرح که متهم ردیف سوم به لحاظ نیاز به منابع مالی اقدام به اخذ وجه نقد به شرح فوق نموده و با عدم بازپرداخت آن طی چند مرحله با توافقات ربوی بعدی زیاده مورد توافق را با متهم ردیف اول توافق می‌نماید و متهم ردیف دوم نیز به عنوان واسطه موضوع ارتکاب بزه میان متهمین را تسهیل نموده است حالیه دادگاه با توجه به شکایت شاکی و گزارش مرجع انتظامی و اظهارات شهود تعرفه شده از سوی شاکی (متهم ردیف سوم) و ملاحظه مفاد فیلم ارائه شده از سوی وی و ملاحظه اسناد پرداخت و اسناد ملکی فی مابین و عدم احراز منشا معاملاتی چک‌های صاداری میان طرفین و با رد دفاعیات غیر موجه متهمین و مجموع اوراق و محتویات پرونده و سایر دلایل و قرائن موجود در پرونده ارتکاب بزه معنونه توسط مشارالیه را منطبق با مواد ۲ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۲۲ و ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) محرز و مسلم دانسته فذا مستندا به مواد قانونی صدرالبیان متهمین ردیف اول و سوم را از باب شروع به دریافت و پرداخت ربا به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری درجه ۶ و متهم ردیف دوم را از باب معاونت در شروع به اخذ ربا به تحمل ۴ ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید. با عنایت به عدم وصول و ایصال وجه میان طرفین ارتکاب جرم اصلی، دادگاه در خصوص تعیین تکلیف وجه با تکلیفی مواجه نمی‌باشد. رای صادر حضوری بوده و ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظر خواهد بود.

۶- بررسی عنصر نتیجه در رویه قضایی

مطلق یا مقید بودن جرم ربا نیز یکی از مجاری نیل به پاسخ در رابطه با سوالات و چالش‌های موضوع این پژوهش بود که در بخش تبیین نظری موضوع شرح آن گذشت. مستنبط از مباحث مذکور، بزه ربا در زمره جرایم مطلق است و سود و زیان طرفین و توازن ارزش اقتصادی و حفظ این ارزش در

ارتباط میان میزان وجه یا مال رد و بدل شده که بر اساس شاخص های رسمی بانکی و اقتصادی سنجیده می شود، هیچ نقشی در تحقق یا عدم تحقق جرم ربا ندارد. رویه قضایی نیز در این خصوص در هماهنگی با تحلیل نظری و دکترین حقوقی (اکبری لاشیدانی، ۱۳۸۹، ۱) این جرم را در زمره جرایم مطلق و بودن نیاز به نتیجه ارزیابی نموده است. لذا با فرض فاصله زمانی طولانی میان دریافت وجه از سوی ربا گیرنده و باز پرداخت آن از سوی وی به نحوی که به دلیل تحولات سریع اقتصادی ارزش واقعی اصل وجه یا مال به مراتب حتی بیشتر از همان مال با احتساب کلیه مبالغ مازاد دریافت شده باشد، باز هم بزه ربا محقق انگاشته می شود. تحلیل ناصوابی که در چهارچوب حقوق مدنی و در باب خسارات قابل مطالبه ناشی از تاخیرتادیه دیون در چنین مواردی مطرح می شود به جهات مختلفی واجد اشکال است و قابل استناد نیست.

اول: اینکه در خسارات تاخیرتادیه دیون، به طور ذاتی هیچ توافقی میان طرفین جهت پرداخت مازاد بر مبلغ اولیه وجود ندارد و بر همین اساس، موضوع از شمول ربا خارج و زمینه حمایت قانونی از دائن فراهم می شود.

دوم: اینکه جبران خسارات در این شرایط منصوص به قانونی بوده و این تجویز در مقابرت با قواعد آمره حقوقی کیفری و مبانی شرعی قرار ندارد.

سوم: اینکه، تجویز جبران خسارت یا اعاده مال، ارتباطی به ماهیت حکم ناضر به موضوع ندارد، به دیگر بیان اباحه یا حرمت رفتار، مستقل از طبعات آن است، لذا استدلال به تجویز جبران از سوی مقنن در موقعیت های مشابه، نافی تعلق مطلق حرمت به ربا نخواهد بود. لذا در رویه قضایی فاصله زمانی هر چند طولانی میان پرداخت ربا و بازپرداخت آن به نحوی که اضافه دریافت ربا دهنده حتی از شاخص های رسمی و مجری در نهادهای مالی، بانکی و قضایی در مقام متناسب سازی دیون در زمان پرداخت یا سپرده گذاری وجوه استفاده می شود کمتر باشد، خللی به عناصر و ارکان جرم ربا وارد نکرده و تعقیب کیفری در این موارد بدون اعتنا به کاهش یا افزایش و به طور کلی تناسب یا عدم تناسب ارزش اقتصادی مال در زمان پرداخت و بازپرداخت صورت می گیرد. دادنامه های مباحث

پیشین که در اوج نوسانات اقتصادی کشور در بازه‌های زمانی متفاوت صادر شده‌اند گویای صحت این برداشت است.



نتیجه گیری

در بررسی به عمل آمده، چالشِ ربای تدریجی از جهات مختلفی از جمله به جهت نظری و رویه قضایی مورد بررسی قرار گرفت. در بخش نظری، این پدیده با تاکید در رکن مادی جرم مشتمل بر رفتار جنایی، نتیجه مجرمانه و قلمرو رفتار در شروع به جرم تحلیل شد. از حیث رفتار جنایی، با تمرکز بر منطوق ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی و ماهیت تکمیلی دو ضمانت اجرای استرداد و ضبط وجوه مرتبط با ربا، تحقق جرم منوط به حصول توافق میان طرفین است و پرداخت و بازپرداخت وجه یا مال موضوعیت ندارد لذا تدریج و تدرج در بازپرداخت وجه یا مال، تاثیری در سرنوشت جرم نخواهد داشت و بالتبع پدیده تعدد جرم منتفی خواهد بود. از حیث نتیجه مجرمانه نیز بزه ربا مطلق تشخیص داده شد لذا منافع و مضار ظاهری ربا دهنده بررسی نخواهد شد، بنابراین عمل مجرمانه در هر مرحله ای از باز پرداخت اقساط کشف شود، فارغ از اینکه به نصاب اصل مال رسیده است یا خیر و به طور کلی زیاده بر اصل مال محقق شده است یا خیر، عمل مزبور واجد وصف کیفری است و در نهایت شروع به جرم بر مبنای تحلیل فوق، که اعتقاد به کفایت توافق قطعی و مشخص به پرداخت مال یا وجه ربا و بازپرداخت زیاده بر آن است، با فراهم نمودن و شروع به گفتگو تا قبل از قطعیت توافق تثبیت خواهد شد. در مقابل بررسی نظری، رویه قضایی قرار دارد که با استمساک به اصول و تکنیک های حکم بر تفسیر نصوص کیفری، مفاهیم و موقعیت های بنیادین حقوق کیفری و پرهیز آن از مداخله و جرم انگاری عقاید و رفتار مجرمانه (جز در موارد کاملاً معدود و استثنایی) و مبانی شرعی حکم از جمله حدیث رفع در توجیه گناه نبودن افکار و ایده های مجرمانه، مجرد توافق را کافی برای تحقق جرم ندانسته و تحقق بزه ربا را منوط به پرداخت وجه یا مال از ناحیه ربا دهنده و باز پرداخت آن به بیش از میزان دریافتی از ناحیه دریافت کننده ربا می داند، لذا تدرج و باز پرداخت های مکرر از ناحیه ربا گیرنده نه تنها ربای متعدد محسوب نمی شود، بلکه تا زمان عبور از نصاب که همان اصل مال دریافتی اولیه است، اساساً عمل ارتكابی مصداق بزه ربای تام نخواهد بود و لذا هرگونه اقدام به دریافت وجه از ناحیه ربا گیرنده و شروع به بازپرداخت آن، تا قبل از عبور از اصل مال یا مبلغ، در قالب شروع به جرم قابل بحث و بررسی است و در نهایت رویه قضایی این جرم را مطلق قلمداد و بدون توجه به پیامد های اقتصادی حاکم بر این تعامل، حتی در فروزی که مبلغ اضافی



دریافتی توسط ربا گیرنده به اندازه کاهش ارزش اقتصادی اصل مال هم نبوده نباشد و شاخص های تورمی مراجع رسمی بیش از میزان اضافی دریافتی توسط ربا گیرنده را اعلام نماید، باز هم بزه منظور محقق شده است چرا که این جرم با هیچ نتیجه ای در مبانی شرعی و قانونی محدود نشده است و وصف کیفری صرفاً به نفس عمل پرداخت و بازپرداخت به بیش از مال اولیه تعلق گرفته است.



منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۹، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات میزان، تهران.
۲. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۷، فلسفه حقوق، جلد سوم، انتشارات شرکت سهامی، تهران.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۱، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران.
۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، جلد ۹، انتشارات، تهران.
۵. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۰، اصول قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، تهران.
۶. ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۴، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات ققنوس، تهران.

مقالات:

۷. آقای نی، حسین، ۱۳۹۵، جزوه درسی جزای عمومی، مقطع کارشناسی، دانشگاه تهران.
۸. احمدوند خلیل اله و توحیدی، محمد، «نقد نظریه عدم حرمت ربا در قرض های تولیدی و تجاری»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره اول، ۱۳۹۵.
۹. اسلامی پناه، علی، «رویه قضایی به منزله منبع حقوق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۴، ۱۳۹۷.
۱۰. اسمعیلی اتویی، ابراهیم، «نگاهی بر مکانیزم شروع به جرایم مطلق»، دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی، سال دوم، شماره سوم، ۱۴۰۰.
۱۱. رستمی، محمد زمان، «چالش های مفهومی ربا، بهره و بهره تعادلی و شیوه برخورد قرآن کریم با مفساد اقتصادی»، سال پانزدهم، شماره ۴۱، ۱۳۹۰.
۱۲. شریفی، مهدی، «شیوه تفسیر غایت گرا»، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۴، زمستان ۱۳۹۴.

-
۱۳. علوی، سید یحیی، «فلسفه تحریم ربا»، دو فصلنامه تحقیقات مالی-اسلامی، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۰.
۱۴. عظیمی، کوروش و شاه ملک پور، حسن، «تارسایی قاعده شروع به جرم در جرایم مستوجب حد»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دوازدهم، شماره اول، ۱۴۰۰.
۱۵. علیزاده اشکلک، حبیب محمد، «سیاست جنایی قضائی ایران در خصوص جرم ربا»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۶، ۱۳۸۳.
۱۶. غفوری چرخابی، حسین، «بررسی آیات ربا و احکام آن»، دو فصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره اول، ۱۳۸۸.
۱۷. فرزین وش، اسدالله و نوری، کامران، «ربا، بهره قراردادی و بهره طبیعی»، (نقد مفهوم بهره در نظریات اقتصادی متفکرین مسلمان)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۰، ۱۳۸۱.
۱۸. قرائی، فیاض، «پول و احکام فقهی آن»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۸، ۱۳۸۵.
۱۹. میر معزی، سید حسین، «حیله های ربا»، اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۸۵.
۲۰. موسویان، سید عباس، «نظریه‌های ربا و بهره»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۳۸۶.
۲۱. اکبری لاشیدانی، عالیہ، «بررسی عنصر روانی جرم ربا»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور، به راهنمایی عباس نظیفی، واحد استان تهران، ۱۳۸۹.

Evaluation of Gradual Usury in Theoretical Analysis and Judicial Precedent Focusing on the Material Element of the Crime

Hosein Noormohammad^۱ / Ebrahim Sharifi^۲

Article Number: JHVMN-۲۶۰۶-۱۳۶۴

Abstract

The evolution in the commission of usury has led to specific forms of this crime that necessitate a re-evaluation and analysis of its constituent elements. In this new manifestation of the crime referred to in this research as "gradual usury," the lender, pursuant to an agreement with the borrower, pays various amounts in successive stages, while the borrower repays the lender in fixed or non-fixed installments over a specified period. Beyond the nature of individual payments and whether they maintain their descriptive independence or are integrated into the initial agreed-upon total, this issue has emerged as a challenge due to the real value of funds, continuous economic fluctuations, and their subsequent impact on the borrower's net proceeds. From a theoretical perspective, due to the restriction of conduct to the mere agreement under Article ۶۹۶ of the Islamic Penal Code, it appears that the payment and repayment of funds, as well as the multiplicity of installments, do not influence the fulfillment or non-fulfillment of the crime. Conversely, contrary to theoretical discourse, judicial precedent—by invoking fundamental principles of criminal law the objective theory of the commencement of criminal acts, and the "Hadith al-Raf" principle (to avoid the criminalization of thoughts that have not yet manifested)—has deemed the borrower's repayment of an amount exceeding the initial sum received as a necessary condition for the crime. Consequently, a divergence is observed between theoretical foundations and judicial practice Regarding economic benefits... [the text provided is incomplete here] its potential in light of currency devaluation is considered prosecutable and punishable as usury in both theoretical and judicial frameworks, emphasizing the generality of this crime and the absence of specific legislation regarding the outcome of profit or loss, regardless of the lender's gain or loss.

Keywords: Gradual Usury, Usurious Conduct, Result in Usury, Harm and Benefit in Usury.

^۱. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) hosein.normohamadi^{۱۶}@gmail.com

^۲. Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Khorasgan, Isfahan, Iran. sharifido@gmail.com

